

آثار و اندیشه‌های زیگموند فروید

ژان میشل کینودو

ترجمه

علیرضا طه‌اسب و مجتبی جعفری

فرهنگ‌نشر نو
با همکاری نشر آسیم
تهران-۱۴۰۰

فهرست مطالب

۱۱	پیشگفتار مترجمان: چگونه فروید بخوانیم؟	
۶۱	سپاسگزاری	
۶۳	درآمد: تفکری همواره در تحول	
۶۵	زیگموند فروید از ۱۸۵۶ تا ۱۹۰۰	۱
۷۱	هیستری و کشف روان‌کاوی	۲
۷۱	نخستین متن در روان‌کاوی	
۷۲	از «روان‌پالایی» تا «تداعی آزاد»	
۷۴	بنا نهادن مبانی درمان روان‌کاوی	
۷۶	نقش میل جنسی	
۷۶	تعیین نمادین سیمپتوم‌های هیستریک	
۷۷	نظری گذرا بر مفهوم انتقال	
۷۹	خودکاوی	۳
۷۹	سپهر خصوصی فروید: نامه‌های او به ویلهلم فلیس	
۸۰	اغوای واقعی و خیالی	

- ۸۰ خودکاوی و کشف عقدهٔ ادیپ
- ۸۲ روان‌کاوی از علوم دقیقه نیست
- ۸۳ **تأویل رؤیا** ۴
- ۸۳ اثری انقلابی
- ۸۴ رؤیاها معنایی دارند
- ۸۵ اصول بنیادین تأویل رؤیا
- ۸۶ پنج مکانیسم ناهشیار تغییر شکل محتوای رؤیا
- ۸۷ عامل سانسور و واپس‌رانی
- ۸۷ نمادپردازی در رؤیا
- ۸۸ تکنیک تأویل رؤیا
- ۸۸ نظریه‌ای در باب کارکرد ذهن
- ۹۱ **نمود ناهشیار در زندگی روزمره** ۵
- ۹۱ آسیب‌شناسی روانی زندگی روزمره: لغزش‌های زبانی و...
- ۹۳ لطیفه و رابطهٔ آن با ناهشیار: اثر کمیک لطیفه‌ها
- ۹۷ **میل جنسی در کودکان** ۶
- ۹۷ کژروی‌های جنسی: اختلالات تحول روانی جنسی در کودکان
- ۹۹ میل جنسی بهنجار در کودکان
- ۹۹ پندارهای جنسی کودکان
- ۱۰۰ مراحل تحول
- ۱۰۳ استعداد انحراف چندشکلی
- ۱۰۷ **عقدهٔ ادیپ و ناهشیار** ۷
- ۱۰۷ آرزوی محرم‌آمیزی و والدکشی
- ۱۰۸ اسطورهٔ ادیپ و ناهشیار
- ۱۰۹ عقدهٔ ادیپ مستقیم
- ۱۱۱ افول عقدهٔ ادیپ
- ۱۱۱ دفاع در برابر آرزوی والدکشی و محرم‌آمیزی

- انتقال و فنون و جلسه روان‌کاوی ۱۱۳
- تحلیل دورا و کشف انتقال ۱۱۳
- درس‌هایی از یک درمان نافرجام ۱۱۴
- جلسه روان‌کاوی ۱۱۵
- تحولات جدید در مفهوم انتقال ۱۱۶
- تکرار به جای یادآوری ۱۱۷
- عشق و نفرت در انتقال و انتقال متقابل ۱۱۸
- چهار مورد از مشاهدات بالینی فروید ۱۲۱
- هانس کوچولو: اولین نمونه از روان‌کاوی کودکان ۱۲۱
- موش‌مرد: درمان موردی از نوروز و سواس ۱۲۴
- شرح‌حال خودنوشت رئیس شربز: موردی از پارانویا ۱۲۷
- تحلیل موردی از نوروز کودکی: گرگ‌مرد ۱۲۹
- فراوان‌شناسی (۱۹۱۷-۱۹۱۵) ۱۳۵
- نقطه عطف و نقطه عزیمت ۱۳۵
- «سائق‌ها و سرنوشت آنها» ۱۳۷
- «ماتم و ماخولیا» ۱۴۱
- تعارض بنیادین سائق زندگی و سائق مرگ ۱۴۵
- لذت رنج ۱۴۵
- رویاریبی سائق مرگ و سائق زندگی ۱۴۶
- تکرار و اجبار به تکرار و انتقال ۱۴۷
- «زندگی به تمامی معطوف به مرگ است» ۱۴۸
- ایگو و اید و سوپرایگو ۱۵۱
- روان‌شناسی جمعی و واکاوی ایگو ۱۵۱
- ایگو و اید ۱۵۳
- ترس از دست دادن عزیزان و محبوبان ۱۵۹
- جانشینی برای نظریه‌های پیشین اضطراب ۱۵۹

- ۱۶۰ اضطراب: واکنش ایگو به تهدید برآمده از فقدان موضوع
- ۱۶۱ خطرات گوناگون در مراحل مختلف زندگی
- ۱۶۳ اضطراب جدایی و درمان روان‌کاوی
- ۱۶۵ ۱۴ سایکوز و انکار واقعیت و دوپارگی ایگو
- ۱۶۵ زبان در اسکیزوفرنی
- ۱۶۶ انکار واقعیت و دوپارگی ایگو
- ۱۶۷ دوپارگی ایگو در نوروژ
- ۱۶۹ ۱۵ مذهب و تمدن: بدبینی یا روشن‌بینی؟
- ۱۶۹ آینده یک وهم
- ۱۷۲ ناخرسندی‌های تمدن
- ۱۷۵ ۱۶ زیگموند فروید، از ۱۹۰۰ تا ۱۹۳۹
- ۱۸۱ ضمیمه مترجمان: واژه‌نامه
- ۲۰۹ کتابنامه
- ۲۱۱ نمایه

درآمد

تفکری همواره در تحول

اندیشه‌های اصلی زیگموند فروید امروز نیز چون گذشته زنده است. اگر اندیشه فروید را برای خود فهم و معنا کنیم، درخواستیم یافت که از همان آغاز که از ذهن او تراویده، از پرمایگی‌شان هیچ کاسته نشده است. به همین دلیل است که آرای او را در قالب روایت اولیه و آن‌گونه که نخستین بار پدیدار شده عرضه خواهیم کرد.

این کتاب بدین ترتیب است؛ فصل نخست یادداشتی است در باب زندگی فروید پیش از کشف روان‌کاوی از ۱۸۵۶، سال تولد او، تا ۱۹۰۰، تاریخ انتشار کتاب تأویل رؤیا (۱۹۰۰). چهارده فصلی که از پی می‌آید مصروف توصیف مفاهیم محوری روان‌کاوی فروید شده که میراث اوست برای آیندگان. اندیشه‌ورزی او در روان‌کاوی به تقریب پنجاه سال تداوم می‌یابد و با مرگ او در ۱۹۳۹ پایان می‌گیرد. واپسین فصل، شرح زندگی فروید از ۱۹۰۰ تا ۱۹۳۹ است. هرچند توجه به بستر تاریخی تحول آثار فروید اهمیت بسیار دارد، گمان می‌کنم برای تأکید بیشتر بر کشفیات او در روان‌کاوی، بهتر آن است که شرح احوال او را از شرح اندیشه‌هایش جدا کنیم.

دفتر اندیشه‌های فروید خاتمه نیافته که هیچ، بلکه همچنان «مفتوح» است و به یمن دستاوردهای پیاپی فروید و پیروان او، پیوسته بر غنای آن

افزوده شده است. برای پرهیز از پیچیدگی، به تحولات فکری پس از فروید نپرداخته‌ام. افزون بر این، تا حد امکان از کلمات روزمره بهره گرفته‌ام، زیرا فروید خود به آلمانی روشن و روان می‌نوشت. نیز در نگارش کتاب رهیافتی بالینی را برگزیده‌ام تا بر این نکته تأکید کنم که افکار فروید از سنخ نظرورزی محض نیست بلکه پیوندی تنگاتنگ با تجربه روزمره روان‌کاوی دارد و شرح این تجارب بالینی است.

آثار روان‌کاوانه فروید [در زبان انگلیسی] به بیست و چند مجلد و مکاتبات او به بیش از پنجاه مجلد سر می‌زند. و جز برخی متخصصان، اندک کسانی می‌توانند برداشتی اجمالی از آنها حاصل کنند. از این رو، فهم اندیشه‌های او به عوامل بسیاری وابسته است، از جمله ترجیحات و علائق خواننده و روند زندگی او و تجربه شخصی‌اش از روان‌کاوی و یا ترجمه‌ای که برمی‌گزینند. روان‌کاوان نیز بسته به آموزشی که در روان‌کاوی دیده‌اند یا تعلق خاطر به رویکردی خاص در روان‌کاوی، فهم متفاوتی از فروید دارند. ایشان هر یک تمایل دارند وجوه یا دوره‌هایی از زندگی فروید را بگیرند و بر وجوه و دوره‌های دیگر چشم ببندند.

دشوار بتوان فخامت نشر آلمانی فروید را در ترجمه بازآفرید، بی‌آنکه چیزی از وضوح و دقت او در بیان اندیشه‌هایش از میان نرود. هم از این روست که آثار او به دفعات ترجمه شده‌اند و جملگی در پی آن بوده‌اند تا، به زعم خود، در حد امکان به مقصود مؤلف نزدیک شوند.

کولونی (ژنو)، ۷ آوریل ۲۰۱۵

زیگموند فروید؛ از ۱۸۵۶ تا ۱۹۰۰^۱

۱۸۵۶. فروید در ۶ مه در فرایبورگ (اکنون پریبور، در جمهوری چک) متولد شد. پدرش یاکوب، تاجری یهودی، و مادرش آمالیا بود. یاکوب که همسر اول و دومش را از دست داده و صاحب دو پسر بود، در ۱۸۵۵، یعنی یک سال پیش از تولد فروید، با آمالیا ازدواج کرد. پس از تولد زیگموند، هفت فرزند دیگر هم به دنیا آمدند، دو پسر و پنج دختر. جوهری از کودکی زیگموند فروید شایسته توجه است. نخست اینکه او همواره اعتماد به نفسی داشت که از عشق مادرش، آمالیا، نشأت می گرفت؛ مادری که در ناصیه پسر بزرگ خود آینده ای درخشان می دید. افزون بر این، اختلافات سنی در خانواده زیگموند فروید برایش وضعیت بغرنجی پدید آورده بود. پدرش، به هنگام تولد او چهل ساله بود و آمالیا بیست ساله و برادر ناتنی او، فیلیپ، بیست و یک ساله. زیگموند خیال می کرد فیلیپ پدر او و یاکوب «پیر» پدر بزرگ اوست. یادمان باشد که زیگموند، در دو سالگی برادر هفت ماهه اش یولیوس را از دست داد و اندکی بعد، از دایه خود، که کاتولیکی متدین بود و تا دو و نیم سالگی از او مراقبت می کرد، جدا افتاد. ۱۸۶۰. خانواده زیگموند در وین سکنی گزیدند. ۱۸۶۶. زیگموند حدوداً ده ساله بود که پدرش، یاکوب، داستانی از تحقیر خود برای او تعریف کرد که بر او

۱. فاصله زمانی ۱۹۰۰ تا ۱۹۳۹ در فصل شانزده روایت شده است.

سخت‌گرا آمد: روزی در خیابان، عابری از سر یهودستیزی کلاه خز یا کوب را از سرش برداشت و به گنداب کنار خیابان پرتاب کرد و او هم با سرافکنندگی کلاه را برداشت. این اتفاق زیگموند را مصمم کرد که در تمامی زندگی با تکیه بر کشفیات و موفقیت‌هایش احترام هم‌عصران خویش را به دست آورد و این تحقیر را به احترام بدل کند. فضای سیاسی-اجتماعی آزاداندیشانه حاکم بر وین آن دوران، که مخصوصاً پسند یهودیان بود، به فروید مجال می‌داد تا، در قیاس با پدر، خیال زندگی بهتری را در سر بپرورد. او در عین آنکه خود را «یهودی لا‌مذهب» می‌خواند، تا پایان عمر به ریشه‌های یهودی خود پایبند ماند. ۱۸۷۳. زیگموند در هفده سالگی «Matura» یا گواهینامه تحصیلات متوسط خود (معادل مدرک پیش‌دانشگاهی) را دریافت کرد.

۱۸۷۴. فروید در دانشکده پزشکی دانشگاه وین تحصیل طب را آغاز کرد. آن عصر سرآغاز دوران مدرنیسم بود، یعنی جنبشی با هدف یکپارچه‌سازی و وحدت‌بخشی همه حوزه‌های دانش، و از این رهگذر، گشودن باب گفت‌وگو میان زیست‌شناسی و پزشکی و هنر و ادبیات و فلسفه. بی‌گمان تفکر فروید از روح زمانه خود -Zeitgeist- تأثیر می‌پذیرفت، که در آن دوران، خاصه در پزشکی، زیر نفوذ اندیشه‌های پروفیسور کارل فون روکیتانسکی^۱ بود. این پزشک والامقام رهیافتی یکپارچه را در تشخیص پزشکی بنیان نهاد، که هم بر معاینه جسمانی بیمار استوار بود و هم بر یافته‌های علمی نظام‌مند. اندیشه‌های روکیتانسکی مرزهای دانشکده پزشکی را درنوردید و بر کل فرهنگ وین، از هنرمندان گرفته تا پژوهشگران آزمایشگاه‌ها اثر گذارد. بدین ترتیب، بنیان تفکر مدرن در رشته‌های مختلف نهاد شد. زیگموند که در این محیط انگیزه‌بخش غوطه می‌خورد، به علوم دقیقه به شدت علاقه‌مند شد و فعالیت خود را در کسوت دانش‌پژوه آغاز کرد. او در سرش خیال شهرت می‌پخت. فروید تحت تأثیر پروفیسور کارل کلاوس^۲، مدیر مؤسسه جانورشناسی، با نظریات داروین آشنا شد. ۱۸۷۶. او به کسوت دستیاری

1. Karl von Rokitansky

2. Carl Claus

پروفسور ارنست ویلهلم بروکه^۱، مدیر مؤسسه فیزیولوژی، منصوب شد که از نمایندگان مکتب پوزیتیویسم و تعیین‌گرایی زیستی، و از پیروان روکیاناسکی بود. ۱۸۷۷. فروید، در بیست‌ویک سالگی به تری‌یسته^۲ سفر کرد. در همین سال نخستین نوشته علمی خود را منتشر کرد و در آن وجود بیضه را در مارماهی نر به اثبات رساند. ۱۸۸۱. فروید بیست‌وپنج ساله بود که مدرک دکترای پزشکی خود را اخذ کرد. در آزمایشگاه بروکه، با یوزف برویر^۳، پزشک اهل وین، که چهارده سال از او بزرگ‌تر بود آشنا شد. او با ابداع «روش روان‌پالایی»^۴ توانسته بود بیماران هیستریک - مشخصاً آن‌ها^۵ که نخستین این بیماران بود - را با موفقیت درمان کند. ۱۸۸۲. فروید در بیمارستان عمومی وین^۶ سمت دستیاری (انترنی) یافت. در آنجا با هرمان نوت‌ناگل^۷ استاد طب داخلی و سپس با تئودور ماینرت^۸ رئیس بیمارستان روان‌پزشکی وین آشنا شد که به سبب پژوهش در کالبدشناسی مغز و

1. Ernst Wilhelm Brücke

۲. Trieste؛ تری‌یسته بندری در شمال شرقی ایتالیا امروزی، میان دریای آدریاتیک و اسلوونی در نزدیکی کرواسی و بالای خلیج تری‌یسته، و چارسوق فرهنگ لاتین و اسلاویک و ژرمنیک. تری‌یسته از قدیم‌ترین بخش‌های امپرنشین هابسبورگ - از ۱۳۸۲ تا ۱۹۱۸ - و پس از وین و بوداپست و پراگ، بزرگ‌ترین شهر امپراتوری اتریش - مجارستان بود و در سال‌های پایانی قرن نوزدهم، کانون بالنده ادبیات و موسیقی به شمار می‌رفت. - م.

3. Josef Breuer

4. cathartic

5. Anna O

۶. Allgemeines Krankenhaus der Stadt Wien (AKH)؛ فروید سه سال در بخش‌های مختلف بیمارستان عمومی خدمت کرد، از جراحی و طب داخلی و روان‌پزشکی گرفته تا امراض عصبی. او از پایین‌ترین سمت، یعنی Aspirant یا کارورز بالینی آغازید و در مه ۱۸۸۳ با پیوستن به کلینیک روان‌پزشکی تئودور ماینرت به منصب Sekundararzt - دستیاری پزشکی یا انترن که در اتریش معادل Assistentarzt است - گماشته شد. در ژوئیه ۱۸۸۳ به سمت Senior Sekundararzt یا دستیار ارشد پزشکی دست یافت و حدود یک سال بعد از آن به درجه Privatdozent یا مدرس بدون حقوق دانشگاه گماشته شد. - م.

۷. Hermann Nothnagel (۱۹۰۵-۱۸۴۱)؛ متخصص امراض داخلی. از ۱۸۸۲ تا ۱۹۰۵ استاد دانشگاه وین بود و در زمره تدوین‌کنندگان دستنامه جامع پزشکی که در بیست‌وچهار مجلد منتشر شد. - م.

۸. Theodor Meynert (۱۸۹۲-۱۸۳۳)؛ کالبدشناس و آسیب‌شناس اعصاب که در ۱۸۷۵ به ریاست درمانگاه روان‌پزشکی وابسته به دانشگاه وین برگزیده شد و بعدها بر سر موضوع هیپنوتیسم و هیستری با فروید به مخالفت برخاست. - م.

هواداری پروپاقرص از تعیین‌گرایی علمی شهرت یافته بود. در بیست‌وشش سالگی با مارتا برنایس^۱ بیست ساله آشنا شد و با او نامزد کرد. طی چهار سال بعد، این دو نامه‌هایی ردوبدل کردند که در آنها فروید در شمایل عاشقی پرشور و رمانتیک و انحصارطلب و حتی غیرتی ظاهر می‌شود. ۱۸۸۴. فروید اثرات دارویی کوکائین را بر روی خود بررسی کرد، اما فرصت کسب اعتبار کشف تأثیرات آن در بی‌حسی‌های موضعی را از کف داد. او پژوهش‌هایش را در زمینه کالبدشناسی مغز و آفاریا^۲ (زبان‌پریشی) و فلج‌های مربوط به دوران کودکی پی گرفت و سپس به عصب‌شناسی (نورولوژی) روی آورد که آینده روشن‌تری را نوید می‌داد. ۱۸۸۵. فروید به سمت *Privat Dozent* (مدرس بدون حقوق دانشگاه) گماشته شد. او بورسیه شش ماهه‌ای برای تحصیل در پاریس نزد پروفیسور ژان-مارتن شارکو^۳ دریافت کرد و شیفته وی شد. فروید شاهد آن بود که شارکو، صرفاً با بهره‌گیری از تلقین هیستریک، فلج‌های هیستریک را ایجاد می‌کرد و شفا می‌داد. این تجربه تأثیری سرنوشت‌ساز بر او گذارد. ۱۸۸۶. زیگموند و مارتا ازدواج کردند. این دو میان سال‌های ۱۸۸۷ و ۱۸۹۶ صاحب شش فرزند شدند. مارتا در ارتباط با خانواده‌اش ملاحظه‌کار و مهربان و با کفایت بود، اما در برابر غریبه‌ها درون‌گرا و تودار: او در کسوت زنی خانه‌دار، خود را وقف مراقبت از همسرش در برابر ناملایمات روزگار می‌کرد. زیگموند، برای آنکه خرج زندگی را درآورد از دنبال کردن حرفه پژوهش دست کشید و از منصب خود در بیمارستان وین کناره گرفت و مطب شخصی‌اش را باز کرد. ۱۸۸۷. فروید مکاتبات خود را با ویلهلم فلیس^۴، پزشک جراح گوش و حلق و بینی اهل برلین آغاز کرد که تا زمان قطع رابطه‌اش با او در ۱۹۰۱ محرم تأملات علمی و دوست صمیمی‌اش بود و فروید همه کشفیات خود را با وی در میان می‌گذاشت. ۱۸۸۹. فروید به قصد ملاقات

1. Martha Bernays

2. aphasia

3. Jean-Martin Charcot

4. Wilhelm Fliess

با پرفسور ایپولیت برنایم^۱، رقیب شارکو، به نانسی سفر کرد تا مهارتش را در هیپنوتیسم ارتقا بخشد.

۱۸۹۰. فروید، در سی و چهار سالگی، مطب شخصی‌اش را در خانه خود، شماره ۱۹ خیابان برگاسه در وین، گشود و تا هنگام تبعید اجباری به لندن، به سال ۱۹۳۸، در آنجا ماند. ۱۸۹۵. فروید و برویر مشترکاً کتاب مطالعاتی در باب هیستری^۲ (۱۸۹۵) را منتشر کردند؛ آرای فروید در این کتاب را خاستگاه روان‌کاوی می‌دانند (رجوع کنید به فصل ۲). ۱۸۹۶. اندکی پس از انتشار کتاب مطالعاتی در باب هیستری، فروید از برویر جدا شد و به راه خود رفت. مرگ پدرش، یاکوب، در هشتادویک سالگی، خاطرش را سخت پریشان کرد: او از اینکه خود زنده است احساس گناه می‌کرد. در همان سال، مینا برنایس، خواهر کوچک‌تر مارتا، در آپارتمان خواهر و شوهرخواهرش (فروید) اقامت گزید؛ زندگی او با خانواده فروید و حتی سفر او به همراه فروید به ایتالیا به شایعاتی درباره سر و سر این دو دامن زد، گرچه صحت این شایعات هرگز ثابت نشد. ۱۸۹۷. فروید خودکامی‌اش را آغاز کرد و در خلال آن به بررسی رؤیاهای خود پرداخت و به مکانیسم‌های شکل‌گیری رؤیا پی برد. در اثنای این خودکامی، به فلیس گفت که دیگر اغوای واقعی را یگانه علت اختلالات هیستریک نمی‌داند و بر خیال اغواشدگی تأکید کرد. فروید در نامه دیگری به فلیس، نخستین بار، آرزوهای محرم‌آمیزی و والدکشی در کودکی را با تراژدی سوفوکلس^۳، ادیپ شهریار^۴، مقیاسه کرد.

1. Hippolyte Bernheim

2. Studien über Hysterie (D) / Studies on Hysteria (E)

3. Sophocles (حدود ۴۹۶-۴۰۶ ق.م): تراژدی‌نویس یونانی، اهل آتن. از وی هفت درام منظوم به یادگار مانده: آئیکاس (آئیاس) و آنتیگونه و ادیپ (اویدیپوس) شهریار (اویدیپوس تورانوس) و زنان تراخیس (تراخینیای) و الکترا و فیلوکتیس و ادیپ در کولونوس (اویدیپوس کولونوس). -م.

4. Oedipus Rex